

قرآن و واکاوی اصالت مهدویت در اندیشه آیت‌الله صافی گلپایگانی

عیسی عیسی زاده^۱

چکیده

«اصالت مهدویت» از موضوعات اساسی مسئله امامت است که اثبات آن نقش تعیین کننده‌ای در امیدبخشی به منتظران مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه له دارد. این موضوع به دلیل اهمیتش در میان اندیشمندان مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. از جمله دانشمندان و مفسران معاصر شیعه که این موضوع را از جهات گوناگون عقلی، قرآنی، روایی، فطری، توحیدی، کرامتی و اجماعی مورد تحلیل و بررسی قرار داده‌اند، مرحوم آیت‌الله صافی گلپایگانی می‌باشد. در پژوهش پیش رو تلاش شده است با استناد به آیات قرآن و بهره‌گیری از منابع مکتوب و نرم افزاری، اصالت مهدویت مبتنی بر قرآن با تأکید بر دیدگاه این مفسر و فقیه بزرگ شیعه، به شیوه توصیفی - تحلیلی مورد واکاوی قرار گیرد.

از پژوهش پیش رو می‌توان با بهره‌گیری از آیات قرآن و روایات تفسیری و همچنین با استعانت از دیدگاه مرحوم آیت‌الله صافی گلپایگانی به این نتیجه اشاره کرد که اصالت مهدویت را در جهات گوناگون همچون پیروزی حزب الله و غلبه سپاه خداوند، نصرت پیامبران و مؤمنان، پایداری حق و زوال پذیری کفر، پیشوایی و امامت مستضعفان، خلافت صالحان، گسترش دین اسلام در تمام عالم و غلبه بر تمام ادیان، آمدن حق و نابودی باطل و قدرت یافتن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه له و یارانش به اثبات رساند.

واژگان کلیدی: اصالت مهدویت، قرآن، آیت‌الله صافی گلپایگانی.

۱. استادیار و عضو هیئت علمی پژوهشکده فرهنگ و معارف پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، سطح چهار تخصصی
کلام اسلامی
e.eisazadeh@isca.ac.ir

مقدمه

ایمان و اعتقاد به مهدویت و امید به ظهور منجی موعود به عنوان یکی از ارکان اعتقادی شیعه و ایمان به نیابت عامه فقهای شیعه از آن امام به حق در غیبت آن حضرت، توانسته است ثمره‌ای شیرین و امیدبخش به نام انقلاب اسلامی با رهبری مرجع بزرگ شیعه امام خمینی، نایب مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الیه برای انسان معاصر به ارمغان آورد و بساط طاغوتیان را از کشور عزیز ایران جمع و روحیه ظلم ستیزی و مقاومت را در مستضعفان عالم احیا کند. از همین رو، دشمنان قسم خورده اسلام تمام تلاش خویش را به کار گرفته تا با تضعیف ایمان و اعتقادجامعه شیعی به مهدویت و طرح شبهات، مانع فراهم شدن زمینه ظهور منجی موعود گردند و لذا ضرورت دارد برای دفاع از عقاید شیعه و پاسداری از فرهنگ مهدویت، پژوهش‌های عمیقی صورت گیرد. بر همین اساس، عده‌ای از اندیشمندان شیعه و مدافعان حریم ولایت و امامت همچون آیت‌الله صافی گلپایگانی تمام عمر خویش را در حراست از اعتقادات مهدوی صرف کرده و با تربیت شاگردان و عالمان و تولید آثار گرانسنگ در حوزه‌های گوناگون مکتب تشیع، به ویژه در بحث مهدویت توانسته‌اند زمینه ترویج معارف نجات بخش شیعه را فراهم کنند. از موضوعات مهمی که آن فقیه نامدار شیعه به شایستگی آن را از جهات گوناگون بررسی و تحلیل قرار داده است، مسئله اصالت مهدویت می‌باشد. با توجه به نقش کلیدی این موضوع در استحکام و نهادینه شدن ایمان و باور به مهدویت در جوامع اسلامی، در پژوهش پیش رو تلاش شده است که از زاویه قرآن کریم، اصالت مهدویت با تاکید بر آرای پژوهشگر برجسته شیعه، آیت‌الله صافی گلپایگانی به صورت توصیفی - تحلیلی مورد بحث و واکاوی قرار گیرد. از میان آثار باقی مانده از عالمان مهدوی پژوه در حوزه مباحث قرآنی مهدویت، آثاری از گذشتگان به یادگار مانده است؛ اما اثری که به موضوع اصالت مهدویت مبتنی بر قرآن با محوریت اندیشه آیت‌الله صافی گلپایگانی پرداخته باشد، یافت نشد.

مفهوم شناسی مهدویت

«مهدویت»، از نظر لغوی مصدر جعلی و به معنای «مهدی (امام منتظر) بودن» است.^۱ واژه «مهدی» نیز در لغت به معنای «کسی که خدا او را به سوی حق هدایت کرده»،^۲ «هدایت شده» و «ارشاد شده» آمده است؛^۳ اما در اصطلاح، مهدویت به معنای مهدی باوری، مهدی گرایی و اعتقاد به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه به عنوان منجی موعود آخرالزمان به کار می‌رود. به بیان دیگر، مهدویت، گویای دیدگاه اسلام درباره جهان آینده و آینده جهان است و در تعریف دیگر آمده است: آموزه مهدویت، مجموعه معارف منسجم و نظام مند درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه است و به عبارت بهتر، اعتقاد به وجود امامی که وارث فرهنگ وحی است و جهانیان در انتظار او به سر می‌برند.^۴ مهدویت از منظر آیت الله صافی گلپایگانی عبارت است:

منتهی شدن سیر جوامع جهان به سوی جامعه واحد و سعادت عمومی، امنیت و رفاه، تعاون و همکاری، همبستگی همگانی حکومت حق و عدل جهانی، غلبه حق بر باطل، غلبه جنودالله بر جنود شیطان، نجات مستضعفان و نابودی مستکبران، و خلافت مؤمنان و شایستگان به رهبری یک رجل و ابرمرد الهی است که موعود انبیا و ادیان و دوازدهمین اوصیا و خلفای پیغمبر آخرالزمان است.^۵ در سخنی دیگر فرمود: مهدویت چیزی جز حیات و پویایی امامت در عصر غیبت و حاکمیت جهانی یافتن توحید و عدالت در عصر ظهور نیست.^۶

اما «مهدی» لقب منجی موعود مسلمانان است. منظور از منجی موعود، مهدی مشخص است؛ یعنی حضرت مهدی، محمد بن الحسن العسکری عجل الله تعالی فرجه که در سحرگاه نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری، برابر با ۸۶۹ میلادی در سامرا به دنیا آمد. او نهمین نسل از سبط کوچک پیامبر -

۱. دهخدا، لغت نامه، ج ۱۳، لغت مهدویت .

۲. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۵ ص ۳۳۴؛ زبیدی، ج ۲ ص ۳۳۲ و طریحی، ج ۱ ص ۴۷۵.

۳. معین، فرهنگ نامه فارسی، ج ۴، ص ۴۴۶۲.

۴. عرفان، نقش باور داشت آموزه مهدویت در احیای فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۴۱.

۵. صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۲، ص ۱۹.

۶. همان، گفتمان مهدویت، ص ۱۰.

حسین بن علی - بود. در پنج سالگی به امامت رسید و دارای دو غیبت کوتاه مدت و بلند مدت است. غیبت کوتاه او سال ۳۲۹ پایان یافت و غیبت بلند مدت او از آن سال آغاز شد و هنوز ادامه دارد.^۱

بر اساس بررسی‌های برخی از صاحب‌نظران، در افزون بر ۲۷۰ روایت، لقب «مهدی» برای این منجی موعود به کار رفته است.^۲ در سخن امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله، این لقب آمده است:

المَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي، اسْمُهُ اسْمِي، وَكُنْيَتُهُ كُنْيَتِي، أَشْبَهُ النَّاسِ بِى خَلْقًا وَخُلُقًا، تَكُونُ لَهُ غَيْبَةٌ وَحَيْرَةٌ، حَتَّى تَصِلَ الخَلْقُ عَن أَدْيَانِهِمْ، فَعِنْدَ ذَلِكَ يُقْبَلُ كَالشَّهَابِ الثَّاقِبِ، فَيَمْلَأُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا، كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا؛^۳ مهدی از فرزندان من است. نام او، نام من و کنیه او کنیه من، و شبیه‌ترین مردم در خلق و خو به من است. غیبت و حیرتی دارد که در آن امت‌ها گمراه می‌شوند. سپس مانند شهاب فروزان می‌آید و زمین را از عدل و داد پر می‌کند، به همان سان که از جور و ستم پر شده بود.

قابل ذکر است که باور به ظهور شخصی که جهان را پر از عدل و داد کرده و ریشه‌های ظلم و ستم را می‌خشکاند، به اسلام اختصاص نداشته، بلکه شامل ادیان مختلف الهی و آسمانی می‌شود و در اسلام، مسیحیت،^۴ یهودیت^۵ و زرتشت^۶ به ظهور این شخص، یعنی کسی که جهان را پر از عدل و داد و ظلم را ریشه کن می‌کند، نوید داده شده است.

بنابراین، می‌توان گفت تمامی ادیان به آمدن موعودی مصلح، باور دارند که این موعود در

۱. شیخ مفید، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۳۴۶؛ کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۱۴ و طوسی، الغیبه، ص ۱۴۳.

۲. صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۳، ص ۴۴۳ و ۴۴۴.

۳. صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۶.

۴. سلیمانی، ترجمه کتاب مقدس، باب ۱۲، آیات ۳۵-۴۰.

۵. همان، سفر مزامیر، مزمور ۳۷.

۶. اوستا، بخش یناهات، ۴۶.

اندیشه زردتشت، «سوشیات»،^۱ در اندیشه مسیحیت، «حضرت مسیح عليه السلام» و در اسلام، «حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه» است که قرآن و سنت به آمدن آن بشارت داده‌اند.

اصالت

بدیهی است آنچه در بررسی و شناخت هر فکر و اندیشه، اصل و آغاز کار است، معقول بودن و خردپسند بودن آن است؛ به این معنا که عقل، امکان آن را بپذیرد و نتواند آن را به‌طور جزم انکار کند و قبول امکان آن را غیر عقلایی بداند.^۲ بنابراین، مراد از اصالت، ممکن بودن، معقول بودن و قابل اثبات بودن می‌باشد.

اصالت مهدویت

اصالت مهدویت، یعنی عقیده به مهدویت از جهت ممکن بودن، به هیچ بیانی محتاج نیست؛ زیرا هر عاقلی امکان آن را تصدیق می‌کند و هیچ خردمندی آن را رد نمی‌کند و اظهار شك و تردید را در آن جایز نمی‌داند. هرچه بیندیشیم و هر اندیشمندی آنچه بیندیشد، نمی‌تواند در اصالت مهدویت از این منظر ایرادی بگیرد یا حرفی بزند. همیشه این اصالت برای مسئله مهدویت و ظهور مصلح آخرالزمان، در بین ملت‌ها و امت‌ها و مسلمین و حتی آنان که به آن معتقد نیستند، مسلم و ثابت بوده است و حتی در بسیاری از عقاید دینی دیگر، امکان آن اگر به ذهن نزدیک‌تر نباشد، دورتر نیست و لذا از قرن دوم به بعد که بعضی مجادلات و بحث‌ها در بین مسلمانان رواج گرفت و در مورد بسیاری از مسائل اسلامی سخن گفته شد؛ این موضوع اصلاً مورد شبهه و ایرادی قرار نگرفت؛ چون به هیچ وجه شبهه یا آنچه شبیه شبهه باشد، در آن راه ندارد. پس اصالت مهدویت از این منظر صددرصد معتبر و عقلایی و منطقی است و بیش از این به توضیح نیاز ندارد.^۳

۱. همان.

۲. صافی گلپایگانی، اصالت مهدویت، ص ۲۰ و ۲۱.

۳. همان.

بنا بر این، اصالت مهدویت، به معنای آموزه‌های مهدویت، همچون اعتقاد به مهدویت، زنده بودن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریک به عنوان امام دوازدهم و ظهور او برای استقرار حکومت عدل در سراسر عالم بر اساس دیدگاه شیعه با دلایل قطعی، امری ممکن و قابل اثبات و خدشه‌ناپذیر است. به دلیل اهمیت این مسئله آیت‌الله صافی گلپایگانی تلاش کرده است در اثری مستقل، اصالت مهدویت را از ده منظر ذیل مورد بررسی قرار دهد:

۱. معقول بودن امکان آن؛
 ۲. اتکا بر مبانی معقول و منطقی؛
 ۳. موافقت با فطرت و نوامیس عالم خلقت؛
 ۴. مبتنی بودن آن بر بشارت پیامبران و ادیان آسمانی؛
 ۵. ابتدای آن بر آیات قرآن کریم؛
 ۶. ابتدای آن بر احادیث معتبر و متواتر؛
 ۷. اتفاق مسلمانان و اجماع شیعه و اهل سنت؛
 ۸. معجزات و کرامات؛
 ۹. ابتدای آن بر توحید و یکتا پرستی؛
 ۱۰. نقش آن در عمل و برقراری عدالت و به ثمر رساندن انقلاب اسلامی.^۱
- با توجه به این که بررسی و تحلیل جهات دهگانه اصالت مهدویت از ظرفیت این مقاله خارج است، تلاش شده است تنها جهت پنجم (ابتدای اصالت مهدویت بر آیات قرآن) در این پژوهش مورد واکاوی قرار گیرد.

قرآن و اصالت مهدویت

قرآن از مهم‌ترین منابعی است که هم اهل بیت علیهم‌السلام و هم عده‌ای از اندیشمندان اسلامی برای اثبات اصالت مهدویت به آن استناد کرده‌اند. مرحوم سید هاشم بحرانی در کتابی با عنوان

۱. همان، سلسله مباحث امامت و مهدویت، ج ۲، ص ۲۳۴.

«المحجة فيما نزل في القائم المحجة» بیش از یک صد آیه را ذکر کرده است؛^۱ اما آیت الله صافی گلپایگانی در کتاب اصالت مهدویت به ذکر سیزده آیه در هفت محور ذیل بسنده کرده است.^۲

محور یکم: پیروزی حتمی حزب الله

۱. «وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ»؛^۳ و هر که خدا و پیامبر او و مؤمنان را ولی خود گزیند، بداند که پیروزمندان گروه خداوندند؛
۲. «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛^۴ هیچ قومی را که به خدا و روز قیامت ایمان دارند، نمی یابی که با دشمنان خدا و رسولش دوستی کنند، هر چند پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشاوندان آن ها باشند. آن ها کسانی هستند که خدا ایمان را بر صفحه قلوبشان نوشته و با روحی از ناحیه خودش آن ها را تقویت کرده است. آن ها را در باغ هایی از بهشت داخل می کند که نهرا از زیر درختانش جاری است، جاودانه در آن می مانند. خدا از آن ها خشنود و آن ها نیز از خدا خشنودند. آن ها حزب الله اند بدانید حزب الله پیروز است؛
۳. «إِنَّ جُنْدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ»؛^۵ و لشکر ما، خود غالبند.

تحلیل آیه

با توجه به وعده حتمی خداوند در آیات یاد شده به پیروزی لشکرش و همچنین لشکر حزب الله؛ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از مصادیق بارز لشکر و حزب خدا می باشد که روزی خواهد آمد و با

۱. همان، اصالت مهدویت، ص ۵۵.

۲. همان، ص ۵۱ - ۵۵.

۳. مائده: ۵۶.

۴. مجادله: ۲۲.

۵. صافات: ۱۳۷.

وعده حتمی الهی بر تمام دشمنان پیروز خواهد شد و حکومت عدل الهی را در سراسر جهان محقق خواهد کرد؛ همان گونه که رسول خدا ﷺ، امام زمان و یاران آن حضرت را از مصادیق حزب الله در آیه «أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^۱ دانسته و در سخنی به جُنْدَب این گونه فرمودند:

يَا جُنْدَبُ! فِي زَمَنِ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ سُلْطَانٌ يَعْتَرِيهِ وَيُؤْذِيهِ، فَإِذَا عَجَلَ اللَّهُ خُرُوجَ قَائِمِنَا يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِثْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا. طُوبَى لِلصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِي! طُوبَى لِلْمُتَّقِينَ عَلَى مَحَجَّتِهِمْ! أُولَئِكَ الَّذِينَ وَصَّيْتُهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ وَقَالَ: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ»، وَقَالَ: «أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛^۲ ای جُنْدَب! در زمان هر یک از امامان، سلطانی هست که بدان امام، آزار و اذیت می‌رساند. وقتی خداوند، ظهور قائم ما را برساند، جهان را از قسط و عدل پر خواهد کرد؛ چنان که از ظلم و ستم پر شده است.

سپس فرمود: خوشا به حال کسانی که در دوران غیبت او شکیبایند! خوشا به حال کسانی که در مسیری که اهل بیت برای آنان ترسیم کرده‌اند، تقوا پیشه می‌کنند! اینان، کسانی هستند که خدا در کتاب خویش، آنان را توصیف کرده و فرموده است: «و کسانی که به غیب ایمان دارند» و نیز فرموده است: «اینان، همان حزب الله هستند و حزب الله، همان رستگاران‌اند».

محور دوم: نصرت پیامبران و مؤمنان

۱. «وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ»؛^۳ وعده قطعی ما برای بندگان مرسل ما از قبل مسلم شده که آن‌ها یاری می‌شوند؛
۲. «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ»؛^۴ ما به طور

۱. مجادله: ۲۲.

۲. خزار رازی، کفایة الاثر، ص ۶۰.

۳. صافات: ۱۷۱ و ۱۷۲.

۴. غافر: ۵۱.

مسلم رسولان خود و کسانی را که ایمان آورده‌اند، در زندگی دنیا و روز قیامت که گواهان بر پا می‌خیزند، یاری می‌دهیم».

تحلیل آیه

آیت‌الله صافی گلپایگانی، در تحلیل این آیات گفته است:

بدیهی است این یاری و پیروزی شامل موارد جزئی هم می‌شود؛ مثل موافق و مشاهد بسیاری که خدای تعالی پیغمبر اسلام ﷺ را نصرت عطا فرمود؛ چنان‌که شامل پیروزی به حجت و برهان و دلیل و بیان می‌گردد؛ اما معلوم است که مناسب کمال امتنان و لطف خدا، پیروزی و نصرت مطلق است که در صورت وجود شرایط، انجام خواهد شد. پیروزی‌های جزئی و محدود نیز در زمینه وجود شرایط حاصل می‌شود و بالاخره فرد اکمل و مصداق اتم پیروزی و نصرت، پیروزی و نصرت مطلق بر همه کفار و جنود ابلیسی است که نه حد زمانی آن را به پایانی محدود سازد و نه حد زمینی و جغرافیایی آن را مختص به یک منطقه نماید. بر طبق این آیات، در مقابله اهل حق با اهل باطل، غلبه نهایی باید با اهل حق باشد و به طور کامل مشمول نصرت الاهی شوند.^۱

بنا بر این، تحقق نصرت کامل و حقیقی و فراگیر جهانی، به زمان ظهور حجت الاهی امام مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه مربوط خواهد بود که در آیات مذکور از سوی خداوند وعده داده شده است. با این بیان و استدلال مشخص می‌شود که تنها زمان تحقق وعده الاهی در نصرت کامل و همه جانبه خداوند، زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه می‌باشد و به تعبیر دیگر، با این آیه قرآن می‌توان اصالت و حقانیت ظهور منجی عالم را اثبات کرد؛ زیرا بر اساس وعده الاهی در این آیه، نصرت کامل خداوند فقط در زمان آن حضرت واقع می‌شود.

۱. صافی گلپایگانی، سلسله مباحث امامت و مهدویت، ج ۲، ص ۲۶۶.

محور سوم: پایداری حق و زوال پذیری کفر

۱. «أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَهُ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حُلِيَّةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلُهُ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُتُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ»^۱ خداوند از آسمان آبی فرستاد و از هر دره و رودخانه‌ای به اندازه آن‌ها سیلابی جاری شد. سپس سیل بر روی خود کفی حمل کرد و از آنچه [در کوره‌ها] برای به دست آوردن زینت آلات یا وسایل زندگی آتش روی آن روشن می‌کنند نیز کف‌هایی مانند آن به وجود می‌آید؛ اما کف‌ها به بیرون پرتاب می‌شوند؛ ولی آنچه به مردم سود می‌رساند [= آب یا فلز خالص] در زمین می‌ماند. خداوند این چنین مثال می‌زند؛

۲. «وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحَقِّقَ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ»^۲؛ خدای تعالی اراده کرده است که حق را به کلمات خود، محقق [= آن را اظهار و اعلام و اثبات کند] و دنباله کافران را قطع کند.

تحلیل آیه

آیت‌الله صافی گلپایگانی در تبیین اصالت مهدویت، مبتنی بر قرآن با استناد به آیه ۱۷ سوره رعد و آیه ۷ سوره انفال فرموده است: «آیاتی نیز دلالت دارند که حق پایدار و باقی و باطل از میان رفتنی است»^۳.

عیاشی نیز در تفسیرش، به سند خود از جابر چنین آورده است:

از حضرت ابو جعفر باقر علیه السلام راجع به تفسیر این آیه (انفال: ۷) پرسیدم که خدای عزّوجلّ می‌فرماید: «و خدا می‌خواهد که حق را به وسیله کلماتش ثابت گرداند و ریشه کافران را از بیخ و بن بر کند.» امام باقر علیه السلام فرمود: «تفسیرش آن است که

۱. رعد: ۱۷.

۲. انفال: ۷.

۳. صافی گلپایگانی، اصالت مهدویت، ص ۵۸.

خدا در باطن چنین می‌خواهد؛ زیرا این، چیزی است که آن را می‌خواهد؛ ولی هنوز به انجام نرسانده و اما قول خداوند: «حق را به وسیله کلماتش ثابت گرداند»؛ منظور احقاق حق آل محمد می‌باشد و این که فرموده است: «به وسیله کلماتش»؛ یعنی کلمات او در باطن و علی علیه السلام همان کلمه خداوند در باطن است؛ و اما قول خداوند: «و ریشه کافران را از بیخ و بن برکنند»؛ این، کافران بنی‌امیه هستند؛ کافران آن‌ها نیستند. خداوند دنباله آن‌ها را قطع خواهد کرد و این که فرموده است: «تا حق را تحقق بخشد»؛ یعنی حق آل محمد صلی الله علیه و آله را تحقق بخشد، هنگامی که حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه قیام کند؛ و اما قول خداوند: «و باطل را محو و نابود کند»؛ یعنی حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه باطل را نابود می‌کند که چون قیام کند باطل بنی‌امیه را از بین خواهد برد و این است معنای قول خداوند: «تا حق را پایدار و محقق و باطل را محو و نابود کند؛ هر چند که مجرمان را خویش نیاید.»^۱

بنا بر این، با توجه به دو آیه مورد استناد آیت‌الله صافی گلپایگانی و همچنین تبیین امام باقر علیه السلام در باره مفهوم آیه ۷ از سوره انفال، می‌توان گفت که وعده نابودی کامل باطل از سوی خداوند، در زمان امامت و ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه به وقوع می‌پیوندد.

محور چهارم: پیشوایی و امامت مستضعفان

۱. «و تُرِيدُ أَنْ تَمَسَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَتَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَتَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ * وَتَمُكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَبُرَى فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ»^۲؛ اراده ما بر این قرار گرفته است که به مستضعفان نعمت بخشیم، و آن‌ها را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم و حکومتشان را پا بر جا سازیم و به فرعون و هامان و لشکریان آن‌ها، آنچه را بیم داشتند، نشان دهیم.

۱. عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۵۰.

۲. قصص: ۵ و ۶.

تحلیل آیه

بدیهی است این اراده خدا عام است و به قوم بنی اسرائیل که مستضعف شدند و فرعون و هامان که آنان را استضعاف کرده بودند؛ اختصاص ندارد، بلکه همه مستضعفان مشمول این عنایت الاهی هستند و این سنت خدا است. لذا حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

لَتُعْطِفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا عَطْفَ الصُّرُوسِ عَلَى وِلْدِهَا^۱؛ دنیا بعد از تمکین نداشتنش از ما، منقاد و مطیع ما خواهد شد؛ مانند ناقه سرکش که نسبت به بچه خود پذیرایی و عطوفت دارد. سپس این آیه را تلاوت فرمود: «وَتُرِيدُ أَنْ تَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَجَعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^۲.

بدیهی است این فرمایش حضرت به ظهور حضرت مهدی علیه السلام اشاره دارد.^۳ ابن ابی الحدید در شرح این خطبه امیر مؤمنان علی علیه السلام گفته است:

امامیه گمان می کنند که این آیه وعده ای است از جانب خدا در باره امام غایبی که در آخر زمان به زمین حکم می راند و اصحاب ما [= اهل تسنن] می گویند این وعده ای است به امامی که بر زمین حکم می کند و بر کشورها مستولی می شود و لزومی نخواهد داشت که آن امام در حال حاضر موجود باشد؛ گرچه غایب باشد تا زمانی که ظهور کند، بلکه در صحیح بودن این کلام همین کفایت می کند که در آخر وقت متولد شود.^۴

در پاسخ به این کلام ابن ابی الحدید که گفته است: «لزومی نخواهد داشت که آن امام (حضرت مهدی علیه السلام) در حال حاضر زنده باشد گرچه غایب باشد تا زمانی که ظهور کند، بلکه در صحیح بودن این کلام همین کفایت می کند که در آخر وقت متولد شود؛ باید گفت، نبوت و امامت فیضی معنوی از جانب خداوند است که بر اساس «قاعده لطف» باید همیشه وجود داشته

۱. شریف الرضی، نهج البلاغه، کلمات قصار ۲۰۰.

۲. قصص: ۵ و ۶.

۳. صافی گلپایگانی، سلسله مباحث امامت و مهدویت، ج ۲، ص ۲۶۸.

۴. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۹، ص ۲۹.

باشد. «قاعده لطف» اقتضا می‌کند که در میان جامعه اسلامی امامی باشد که محور حق بوده و جامعه را از خطای مطلق باز دارد. این جمله امام صادق علیه السلام: «همانا خداوند عزوجل جلیل‌تر و عظیم‌تر از آن است که زمین را بدون امام رها کند»^۱ ممکن است به همین برهان اشاره باشد. از امیر مؤمنان علیه السلام سخنی دیگر در باره مصداق مستضعفان در آیه نقل شده است: «این گروه آل محمد صلوات الله علیهم هستند. خداوند مهدی آن‌ها را بعد از زحمت و فشاری که بر آنان وارد می‌شود، برمی‌انگیزد و به آن‌ها عزت می‌دهد و دشمنانشان را ذلیل و خوار می‌کند.»^۲

مرحوم طبرسی در مجمع البیان ذیل همین آیه، حدیثی را از امام زین العابدین، علی بن الحسین علیه السلام نقل کرده است:

سوگند به کسی که محمد صلوات الله علیهم را به حق بشارت دهنده و بیم دهنده قرار داد که نیکان از ما اهل البیت و پیروان آن‌ها به منزله موسی و پیروان او هستند، و دشمنان ما و پیروان آن‌ها به منزله فرعون و پیروان او می‌باشند [= سرانجام ما پیروز می‌شویم] و آن‌ها نابود می‌شوند و حکومت حق و عدالت از آن‌ها خواهد بود.^۳

بنا بر این، در اصل ظهور حضرت مهدی علیه السلام بین ما و اهل تسنن اختلافی نیست؛ اما عقیده شیعه آن است که باید حجت حق به طور حی و زنده در روی زمین باشد تا واسطهٔ برکات و فیض الاهی برای همه عالم باشد؛ همان‌گونه که در زیارت سید الشهداء به قول امام صادق علیه السلام به این نکته توجه داریم: «...إِرَادَةُ الرَّبِّ فِي مَقَادِيرِ أُمُورِهِ تَهَيِّطُ إِلَيْكُمْ وَ تَصْدِرُ مِنْ بُيُوتِكُمْ...»^۴ ارادهٔ خداوندی در جریان مقادیر امور به سوی شما فرود می‌آید و از منازل شما صادر می‌شود و یگانه واسطهٔ فیض به طور مطلق و فراگیر شما هستید».

شیخ ابوالفتوح رازی در ذیل این آیه (قصص: ۵) گفته است:

۱. صفار، بصائر الدرجات، ص ۴۸۵.

۲. حویزی، تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۱۱۰.

۳. طبرسی، مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۷۵ و مجلسی، بحار انوار، ج ۲۴، ص ۱۶۷.

۴. کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۵۵۷.

اصحاب ما روایت کرده‌اند که این آیت در شأن مهدی عجل الله تعالی فرجه آمد که خدای او را و اصحاب او را پس از آن که ضعیف و مستضعف بوده باشند، منت نهد بر ایشان و مراد به زمین، جمله زمین دنیا است و ایشان را امام کند در زمین و این قول اولی‌تر است از آن‌جا که موافق ظاهر است از چند وجه: یکی، ارض به لام تعریف جنس بر عموم حمل کردن اولی‌تر است؛ دگر، لفظ امام در حق او حقیقت باشد و در حق بنی‌اسرائیل مجاز؛ دگر آن که وارث به او لایق‌تر است از این‌جا که او باز پسین ائمه است و او وارث همه گذشتگان باشد و به دامن قیامت بود دولت او.^۱

محور پنجم: خلافت صالحان

۱. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا»^۲؛ خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داد که در روی زمین جانشین دیگرانشان کند؛ چنان که مردمی را که پیش از آن‌ها بودند، جانشین دیگران کرد. و دینشان را - که خود برایشان پسندیده است - استوار و وحشتشان را به ایمنی بدل کند که مرا به یگانگی، بی هیچ شائبه، شرک و ریا پرستش کنند.

تحلیل آیه

آیه مذکور (نور: ۵۵)، از جمله آیاتی است که هم از سوی آیت‌الله صافی گلپایگانی و هم از سوی دیگر مفسران همچون طبرسی و علامه طباطبایی برای اصالت مهدویت و امکان تحقق حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه به آن استناد شده است. خداوند در این آیه به گروهی از مسلمانان که دارای دو ویژگی ایمان و عمل صالح هستند، سه وعده تخلف ناپذیر داده است که عبارتند از:

۱. رازی، روض الجنان و روح الجنان، ج ۱۵، ص ۹۴ و ۹۵.

۲. نور: ۵۵.

۱. خلافت و حکومت روی زمین؛

۲. فراهم شدن امکانات نشر آیین حق به طور اساسی و ریشه‌دار در همه عالم؛

۳. فراهم شدن امنیت و آرامش با از میان رفتن تمام اسباب خوف و ترس و وحشت و ناامنی. نتیجه تحقق این سه وعده الهی آن خواهد شد که در نهایت آزادی، خدا را بندگی و عبادت کنند و هیچ شریک و شبیهی برای او قائل نشوند.

در مورد مصداق گروهی که از این وعده الهی برخوردار خواهند شد و خلافت بر زمین را بر عهده خواهند گرفت؛ چند قول از مفسران نقل شده است که گروهی از آنان همچون آیت‌الله صافی گلپایگانی قائل هستند، مصداق کامل تحقق این وعده در آیه به حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره دارد که تمام جهان در زیر پرچم حکومت آن حضرت قرار می‌گیرد، و آیین حق در همه جا نفوذ می‌کند و ناامنی و خوف و جنگ از صفحه زمین بر چیده می‌شود و عبادت خالی از شرک برای جهانیان تحقق می‌یابد.^۱

علامه طباطبایی در بیان تبیین دلالت آیه مبنی بر اینکه مصداق تحقق وعده الهی در این آیه بر حکومت صالحان در زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ فرموده است:

آنچه از همه مطالب بر آمد این شد که خدای سبحان به کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام می‌دهند، وعده می‌دهد که به زودی جامعه‌ای برایشان تکوین می‌کند که جامعه به تمام معنا صالح باشد، و از لکه ننگ کفر و نفاق و فسق پاک باشد، زمین را ارث برد و در عقاید افراد آن و اعمالشان جز دین حق، چیزی حاکم نباشد، ایمن زندگی کنند، ترسی از دشمن داخلی یا خارجی نداشته باشند، از کید نیرنگ بازان، و ظلم ستمگران و زورگویی زورگویان آزاد باشند و این مجتمع طیب و طاهر با صفاتی که از فضیلت و قداست دارد، هرگز تاکنون در دنیا منعقد نشده، و دنیا از روزی که پیامبر صلی الله علیه و آله مبعوث به رسالت گشته تا کنون، چنین جامعه‌ای به خود ندیده، ناگزیر اگر مصداقی پیدا کند، در روزگار مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود؛

۱. طبرسی، مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۴۰، طباطبایی، المیزان، ج ۱۵، ص ۱۵۷، صافی گلپایگانی، سلسله مباحث امامت و مهدویت، ج ۲، ص ۲۶۹ و مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۵۳۰.

چون اخبار متواتری که از رسول خدا ﷺ و ائمه اهل بیت علیهم السلام در خصوصیات آن جناب وارد شده از انعقاد چنین جامعه‌ای خبر می‌دهد.^۱

اما در دلالت روایات تفسیری آیه، در مجمع البیان آمده است که بر اساس روایتی از اهل بیت، این آیه درباره مهدی آل محمد ﷺ می‌باشد.^۲
از امام سجاد علیهما السلام نیز در تفسیر این آیه آمده است:

آن‌ها به خدا سوگند شیعیان ما هستند. خداوند این کار را برای آن‌ها به دست مردی از ما انجام می‌دهد که مهدی این امت است. زمین را از عدل و داد پر می‌کند؛ آن‌گونه که از ظلم و جور پر شده باشد، و هم او است که پیامبر ﷺ در حق وی فرموده: اگر از عمر دنیا جز يك روز باقی نماند...^۳

۲. «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»^۴؛ و هر آینه ما در زبور بعد از ذکر نوشتیم که البته بندگان صالح من وارث زمین می‌گردند.

تحلیل آیه

این آیه نیز از آیاتی است که آیت‌الله صافی گلپایگانی برای اثبات اصالت مهدویت و تحقق خلافت حتمی حضرت مهدی علیه السلام بر زمین، به آن استناد و بیان کرده است که این آیه از بشارت حتمی الهی خبر می‌دهد که شایستگان و صالحان، وارث زمین و صاحب آن می‌شوند و چون در آیات قبل از این آیه، از زمین خاصی سخنی به میان نیامده است؛ "الف و لام" الارض، الف و لام عهد نخواهد بود، و ظاهر این است که مراد تمام زمین است. بنابراین، آیه از روزگاری خبر می‌دهد که زمین و اداره آن در همه قاره‌ها و همه مناطق و معادن آن، در اختیار بندگان شایسته خدا درمی‌آید؛ چنان‌که در آیات دیگر (نور: ۵۵ و قصص: ۵) همین وعده را فرموده

۱. طباطبایی، المیزان، ج ۱۵، ص ۱۵۷.

۲. طبرسی، مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۴۰.

۳. کاشانی، تفسیر الصافی، ج ۳، ص ۴۴۴.

۴. انبیاء: ۱۰۵.

است.^۱

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه فرمود: «این‌ها اصحاب مهدی در آخر زمان هستند.» مرحوم طبرسی پس از نقل این حدیث گفته است:

مؤید آن روایتی است که خاص و عام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده‌اند: «لو لم یبق من الدنيا الا یوم واحد لطول الله ذلك الیوم حتی یبعث رجلاً صالحاً من اهل بیتی یملأ الارض قسطاً و عدلاً كما قد ملئت ظلماً و جوراً؛ اگر فقط یک روز از عمر دنیا باقی مانده باشد، خدا آن روز را طولانی می‌کند تا مردی صالح از اهل بیت من را مبعوث گرداند و زمین را چنان که پر از ظلم و جور شده است، از عدل و داد پر کند.»^۲

آلوسی بغدادی پس از نقل اقوال مختلف در این آیه، گفته است که اگر بگوییم آیه به عصر مهدی و نزول عیسی مربوط است، به اقوال دیگر نیاز نخواهد بود.^۳ ایشان گرچه در نهایت این قول را نپذیرفته است؛ در ادامه این نکته را نیز افزوده که ثوبان از رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین نقل کرده است: «خداوند برای من زمین را جمع کرد. پس من مشرق‌ها و مغرب‌های آن را مشاهده کردم و زود باشد که امتم به آن برسد.»^۴

با بررسی چهل آیه بشارت از مزامیر داوود علیه السلام، مشخص شده است که این بشارات کاملاً با آیه کریمه «و لقد کتبنا فی الزبور...» منطبق است؛ چنان‌که ظاهر این است که مراد از «صدیق» که در بشارت آیه ۳۱ زبور آمده است؛ حضرت مهدی علیه السلام است.^۵

۱. صافی گلپایگانی، سلسله مباحث امامت و مهدویت، ج ۲، ص ۲۴۶ و ۲۵۰.

۲. طبرسی، مجمع البیان، ج ۷، ص ۶۶ و ۶۷.

۳. آلوسی، روح البیان، ج ۱۷، ص ۹۵.

۴. همان.

۵. صافی گلپایگانی، سلسله مباحث امامت و مهدویت، ج ۲، ص ۲۴۳ و ۲۵۴.

محور ششم: گسترش دین اسلام در تمام عالم و غلبه بر تمام ادیان

۱. «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِأَهْدَىٰ دِينٍ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»^۱؛ اوست خدایی که رسولش را با دین حق به هدایت خلق فرستاد تا آن [دین] را بر همه ادیان عالم برتری دهد؛ هر چند کافران و مشرکان ناراضی باشند.

تحلیل آیه

این آیه از جهانی شدن اسلام و عالمگیر شدن آن خبر می‌دهد. مفهوم آیه، پیروزی همه جانبه اسلام بر همه ادیان جهان است و معنای این سخن آن است که سرانجام، اسلام همه کره زمین را فراخواهد گرفت و بر همه جهان پیروز خواهد گشت. شکی نیست که در حال حاضر این موضوع تحقق نیافته است؛ ولی می‌دانیم که این وعده حتمی خداوند تدریجاً در حال تحقق است و طبق روایات مختلفی که به ما رسیده است، تکامل این برنامه هنگامی خواهد بود که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه ظهور کند. و برنامه جهانی شدن اسلام را تحقق بخشد.^۲

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه فرموده است:

وعده‌ای که در این آیه آمده است، هنگام ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه از آل محمد صلوات الله علیهم صورت می‌پذیرد. در آن روز هیچ کس در روی زمین باقی نخواهد بود، مگر این که به حقانیت محمد صلوات الله علیهم اقرار می‌کند.^۳ نیز از رسول خدا صلوات الله علیهم چنین روایت شده است: «بر صفحه زمین هیچ خانه‌ای باقی نماند، نه خانه‌هایی که از سنگ و گل ساخته شده و نه خیمه‌هایی که از کرک و مو بافته شده باشند، مگر این که خداوند نام اسلام را در آن وارد می‌کند»^۴ و نیز از امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه چنین نقل شده است: «به خدا سوگند هنوز محتوای این آیه تحقق نیافته است و تنها زمانی تحقق می‌پذیرد که قائم خروج کند و هنگامی که او قیام کند، در هیچ

۱. توبه: ۳۳.

۲. مولوی نیا، سیمای مهدویت، ص ۲۵ و ۱۴.

۳. طبرسی، مجمع البیان، ج ۵، ص ۳۸.

۴. همان.

جای جهان، کسی که خدا را انکار کند، باقی نخواهد ماند»^۱.

بنا بر این، با توجه به دلایل یاد شده در تفسیر آیه، نمی‌توان قول کسانی را پذیرفت که معتقدند مراد از غلبه در آیه غلبه اسلام بر دیگر ادیان با منطق و استدلال می‌باشد، نه پیروزی حتمی و نهایی اسلام در زمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

۲. «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظَاهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا»^۲؛ او خدایی است که رسول خود را همراه با هدایت و دین حق فرستاد تا [دین] او را بر همه ادیان غالب گرداند و بر حقیقت این سخن، گواهی خدا کافی است.

بنا بر قول طبرسی، صاحب تفسیر مجمع البیان، زمان تحقق این وعده الهی در آیه، هنگام ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد که دین اسلام سراسر عالم را در بر می‌گیرد؛ به طوری که غیر از دین اسلام دین دیگری باقی نخواهد ماند.^۳

۳. «يُرِيدُونَ لِيُظْفَرُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُبِينٌ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»^۴؛ کافران می‌خواهند نور خدا را [با گفتار باطل و طعن و مسخره] خاموش کنند؛ اما خدا نور خود را تمام و [کامل] خواهد کرد؛ هر چند کافران خوش ندارند.

محمد بن فضیل در تفسیر این آیه می‌گوید:

از امام کاظم علیه السلام در مورد این آیه سؤال کردم. امام علیه السلام فرمود: «می‌خواهند ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را با دهان خود خاموش کنند.» عرض کردم: و خداوند تمام‌کننده نور خود است، [به چه معناست؟] امام در توضیح آن فرمود: «خداوند تمام‌کننده امامت است. به دلیل فرموده خود: «آنان که به خداوند و رسول او و نوری که نازل ساختیم ایمان آوردند. پس نور همان امام است.» عرضه داشتیم:

۱. حویزی، نور الثقلین، ج ۲، ص ۲۱۱.

۲. فتح: ۲۸.

۳. طبرسی، مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۲۹.

۴. صف: ۸.

اوست خدایی که رسولش را به هدایت و دین حق فرستاد: [به چه معناست؟] امام فرمود: «یعنی اوست خدایی که رسول خویش را به ولایت وصی خود امر فرمود: و ولایت همان دین حق است.» گفتیم: تا بر همه دین غالب گرداند. [به چه معناست؟] امام در توضیح آن فرمود: «یعنی آن را بر تمامی ادیان هنگام قیام حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه غالب سازد و این که خداوند فرمود: و خداوند تمام‌کننده نور خداست؛ یعنی ولایت قائم عجل الله تعالی فرجه را به مرحله تمام و کمال می‌رساند و این که می‌گوید: و هر چند کافران را خوش نیاید؛ یعنی هر چند کافران به ولایت علی علیه السلام اگراه دارند.»^۱

سه آیه یاد شده (توبه: ۳۳ و ۳۲؛ فتح: ۲۸؛ صف: ۸) از آیاتی‌اند که آیت‌الله صافی گلپایگانی برای اثبات اصالت مهدویت در باره اجرایی‌شدن تمام احکام اسلام در زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه به آن‌ها استناد کرده و فرموده است:

این آیات بشارت دهنده هستند که اسلام بر سایر ادیان از جهت مایه و دستور و اصول و فروع و احکام و نظامات، به حکم «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ»؛ کامل است. از جهت اجرا و عمل و گسترش یافتن در تمام جهان نیز کامل خواهد گشت و خدا آن را اتمام خواهد فرمود.^۲ این آیات و آیات متعدد دیگر علاوه بر آن که بر استقرار دین خدا در سراسر زمین و آینده درخشان عالم دلالت دارند، بر حسب معتبرترین مدارك و تفاسیر و احادیث، به تحول بی‌سابقه و بی‌نظیر و انقلابی که به رهبری و قیام حضرت مهدی اهل بیت و امام منتظر و موعود انجام خواهد گرفت؛ تفسیر شده است. بنابراین، اصالت قرآنی عقیده به مهدویت نیز با توجه به این آیات و دقت در مضامین آن‌ها و کتاب‌های تفسیر و احادیثی که در تفسیر این آیات وارد شده، ثابت و غیرقابل انکار است.^۳

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۲۲.

۲. صافی گلپایگانی، سلسله مباحث امامت و مهدویت، ج ۲، ص ۲۶۹.

۳. همان، ص ۲۷۰.

محور هفتم: آمدن حق و نابودی باطل

﴿قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾^۱ بگو حق آمد و باطل نابود شد، که همانا باطل نابود شدنی است.

تحلیل آیه

باید حق بیاید و جهان را سراسر بگیرد و باطل از بین برود و معنای آیه «جاء الحق و زهق الباطل» در همه جا و همه رشته‌ها آشکار شود. از آیات مورد استناد برای اثبات اصالت مهدویت در باره نابودی کامل باطل در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام که آیت‌الله صافی گلپایگانی از آن بهره بردند؛ آیه ۸۱ سوره اسراء می‌باشد، ایشان در تبیین این آیه فرمودند:

در قرآن مجید، در آیات متعدد به این قانون خلل‌ناپذیر تصریح شده است و آخرین سخنی که در این جا متذکر می‌شویم، این است که جهان و جوامع بشری در تحولات مختلف، مراحل را پشت سر می‌گذارد و از تخلیص‌ها و تصفیه‌های گوناگون عبور می‌کند تا به تصفیه نهایی که به وسیله مهدی آل محمد علیهم السلام انجام می‌شود، برسد. در این تصفیه‌ها و تخلیص‌ها به تدریج آنچه باید ساقط شود، شناخته می‌شود و نظام‌هایی که باید منحل گردد و روش‌هایی که باید ترک شود، همه شناسایی می‌شوند. آنچه مضر است، همه مانند کف‌ها و علف‌های خشک و هرزه‌ای که روی آب‌های سیل آسا که در اثر باریدن باران جاری می‌شود، ظاهر می‌گردند؛ از میان می‌روند و سودبخش نمی‌شود. جوامع بشری همه برای پذیرفتن يك تصفیه دامنہ دار آماده می‌گردند و همین که منادی عدل و مبشر، ظهور حضرت مهدی علیه السلام را شروع آن تحول بزرگ اعلام می‌کند، جز معاندین و آنان که در این تحوّل باید تصفیه شوند، همه خود را برای انجام آن آماده

۱. اسراء: ۸۱.

می سازند و از آن استقبال می نمایند.^۱

از امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ» چنین روایت شده است: «وقتی که قائم علیه السلام قیام کند، دولت باطل را از میان می برد»^۲

مرحوم مجلسی دعایی را در بحارالانوار از قول امام مهدی علیه السلام نقل کرده است که آن حضرت در آخر این دعا به مفاد آیه اشاره دارد؛ آن جا که به پیشگاه خداوند عرضه می دارد: «خداوند! ... حق را یاری و باطل را نابود گردان!»^۳ «إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا»^۴.

با توجه به تفسیر امام باقر علیه السلام از آیه و تبیین آیت الله صافی گلپایگانی، این اصل در مورد مهدویت به اثبات می رسد که تنها زمان نابودی کامل باطل، زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام می باشد.

محور هشتم: قدرت یافتن حضرت مهدی علیه السلام و یارانش

«الَّذِينَ إِِنْ مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»^۵؛ [یاران خدا] کسانی هستند که هر گاه در زمین به آن ها قدرت بخشیدیم، نماز بر پا می دارند و زکات ادا می کنند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند و پایان همه کارها از آن خدا است.

تحلیل آیه

این آیه (حج: ۴۱) از آیاتی است که آیت الله صافی گلپایگانی برای اثبات اصالت مهدویت در باره قدرت یافتن حضرت مهدی علیه السلام و یارانش در آخر الزمان به آن استناد کرده و در توضیحش فرموده است:

۱. صافی گلپایگانی، سلسله مباحث امامت و مهدویت، ج ۲، ص ۲۴۵ و ۲۴۶.

۲. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۸۷.

۳. مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۱، ص ۳۷۸.

۴. حج: ۴۱.

حاکم حسکانی که از علمای بزرگ اهل سنت است، در کتاب شواهد التنزیل در رابطه با فضایل اهل بیت علیهم السلام در تفسیر این آیه سه حدیث روایت کرده است. در یکی از این سه حدیث که حدیث ۵۵۵ کتاب می باشد، از «فرات»، مفسر معروف مسنداً از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده است که ابی عبیده حدّاء پرسش کرد: چگونه صاحب الامر را بشناسیم؟ حضرت در پاسخ این آیه شریفه را قرائت فرمود، و فرمود: «إِذَا زَأَيْتَ هَذَا الرَّجُلَ مِنْهَا فَاتَّبِعْهُ فَإِنَّهُ هُوَ صَاحِبُهُ؛ وقتی مردی از ما را دیدی که برنامه ای را که این آیه اعلام می کند، اجرا می نماید، او را پیروی کن که همان صاحب الامر است» و در حدیث ۵۵۶ از همان فرات مسنداً از جانب زید بن علی بن الحسین علیه السلام روایت کرده است که گفت: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ يَقُولُ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ نَحْنُ الَّذِي وَعَدَكُمْ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ: «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ...»؛ وقتی قائم آل محمد صلی الله علیه و آله قیام می نماید می فرماید: ای مردم! ماییم آنان که خدا شما را در کتابش وعده داده است: «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ»^۱.

در حدیث دیگری از امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ...»^۲ آمده است:

این آیه تا آخر آن به آل محمد و مهدی و یاران او مربوط است. خداوند شرق و غرب زمین را در سیطره حکومت آن ها قرار می دهد؛ آیینش را آشکار و به وسیله مهدی علیه السلام و یارانش، بدعت و باطل را نابود می کند؛ آن چنان که تبهکاران، حق را نابود کرده بودند، و آن چنان می شود که بر صفحه زمین، اثری از ظلم دیده نمی شود؛ [چرا که] آن ها امر به معروف و نهی از منکر می کنند.^۳

با توجه به روایات مذکور، این امر به اثبات می رسد که بر اساس آیه پیش گفته، حضرت مهدی علیه السلام و یارانش در آخر الزمان از قدرت لازم برای اجرای تمام احکام اسلام برخوردار خواهند شد.

۱. صافی گلپایگانی، وابستگی جهان به امام زمان، ص ۵۶.

۲. حج: ۴۱.

۳. حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۲، ص ۵۰۶.

نتیجه گیری

با توجه به تحلیل های ارائه شده از دیدگاه های آیت الله صافی گلپایگانی در باره آیات مورد استناد، این نتیجه ملاحظه می شود که اصالت مهدویت را می توان در جهات و محورهای ذیل به اثبات رساند:

۱. تحقق پیروزی امام زمان عجل الله تعالی فرجه له و یارانش به عنوان لشکر و حزب الاهی بر تمام عالم بر اساس وعده تخلف ناپذیر خداوند در قرآن: «فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ»؛

۲. تحقق وعده حتمی خداوند بر نصرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه له و یارانش به عنوان مصداق کامل و حقیقی نصرت پیامبران و مؤمنان، بر اساس آیه «وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ»؛

۳. پایداری حق و زوال پذیری کفر در تمام عالم در زمان ظهور حجت خدا، بر اساس آیه «وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ»؛

۴. تحقق وعده حتمی خداوند در پیشوایی و امامت مستضعفان بر جهان در زمان ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه له بر اساس آیه «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ * وَتَمَكَّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنَرَى فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ»؛

۵. گسترش دین اسلام در تمام عالم و غلبه بر تمام ادیان در زمان ظهور ولی عصر عجل الله تعالی فرجه له بر اساس آیه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»؛

۶. تحقق وعده حتمی خداوند در خلافت حتمی صالحان در تمام عالم در زمان ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه له بر اساس آیه «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يُعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا»؛

۷. ظهور کامل حق و نابودی باطل در زمان ظهور بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه له بر اساس وعده تخلف ناپذیر خداوند در آیه «قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا».

۸. قدرت یافتن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه له و یارانش پس از ظهور در تمام عالم؛ بر اساس آیه «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ».

فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. آلوسی سید محمود، *روح المعانی*، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۷ق.
۲. ابن ابی الحدید عبد الحمید، *شرح نهج البلاغه*، نیستان، تهران، ۱۳۹۳.
۳. ابن بابویه محمد بن علی (شیخ صدوق)، *کمال الدین و تمام النعمه*، مؤسسه النشر الإسلامی، قم، بی تا.
۴. ابن منظور محمد بن مکرم، *لسان العرب*، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۵. پور داوود ابراهیم، (گردآوری کنندۀ) ا، *اوستا*، مؤسسه انتشارات نگاه، تهران، ۱۳۸۵.
۶. حسینی زبیدی محمد مرتضی، *تاج العروس*، محقق: علی شیری، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۷. حویزی عبد علی، *تفسیر نورالثقلین*، اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ق.
۸. خزاز رازی، علی بن محمد، *کفایه الاثر فی النص علی الائمه الاثنی*، انتشارات جمکران، قم، ۱۳۹۲ق.
۹. دهخدا علی اکبر، *لغت نامه*، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۳.
۱۰. رازی ابوالفتوح، *روض الجنان و روح الجنان*، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۴۰۸ق.
۱۱. سلیمانی اردستانی عبدالرحیم، *ترجمه کتاب مقدس*، آیت عشق، تهران، ۱۳۸۵.
۱۲. شریف الرضی، محمد بن حسین، *نهج البلاغه*، صبحی صالح، دارالاسوه، تهران، ۱۴۱۵ق.
۱۳. _____، مترجم: علی نقی فیض الاسلام، سازمان چاپ و انتشارات فقیه، تهران، ۱۳۶۸.
۱۴. _____، *اصالت مهدویت*، دفتر تنظیم و نشر آثار آیت العظمی صافی گلپایگانی، قم، ۱۳۹۳.
۱۵. _____، *منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر علیه السلام*، مکتب المؤلف، قم، ۱۴۲۲ق.
۱۶. _____، *سلسله مباحث امامت و مهدویت*، دفتر تنظیم و نشر آثار آیت العظمی صافی گلپایگانی، قم، ۱۳۹۱.

۱۷. _____: **وابستگی جهان به امام زمان**، مؤسسه الامام المهدي، قم، ۱۳۶۲.
۱۸. _____: **گفتمان مهدویت**، مؤسسه تنظیم نسر آثار آیت الله العظمی صافی گلپایگانی، قم، ۱۳۷۸.
۱۹. صفار، محمد بن حسن، **بصائر الدرجات**، المكتبة الحیدریه، قم، ۱۳۸۱.
۲۰. طباطبایی محمد حسین، **تفسیر المیزان**، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۱۷ق،
۲۱. طبرسی حسن بن فضل، **مجمع البیان**، ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲.
۲۲. طوسی محمد بن حسن، **الغیبه**، مؤسسه المعارف الاسلامیه، قم، ۱۴۲۵ق.
۲۳. عرفان امیر محسن، **نقش باورداشت آموزه مهدویت در احیای فرهنگ و تمدن اسلامی**، نشر معارف، قم، ۱۳۹۳.
۲۴. عیاشی محمد بن مسعود، **تفسیر العیاشی**، اعلمی، بیروت، ۱۴۱۱ق.
۲۵. فخرالدین بن محمد الطریحی، **مجمع البحرین**، محقق: احمد حسینی اشکوری، مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵.
۲۶. فیض کاشانی ملامحسن، **تفسیر الصافی**، اعلمی، بیروت، ۱۴۰۲ق.
۲۷. کلینی محمد بن یعقوب کلینی، **الکافی**، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵.
۲۸. مجلسی محمد باقر، **بحار الانوار**، مؤسسه الوفا، بیروت، ۱۴۰۴ق.
۲۹. معین محمد، **فرهنگ فارسی**، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۸.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۱.
۳۱. مهدی پور، اسماعیلی و دیگران، **گفتمان مهدویت شباب الجنه**، قم، ۱۳۸۶.
۳۲. مولوی نیا، محمد جواد، **سیمای مهدویت**، بی نا، قم، ۱۳۸۹.
۳۳. نعمانی، محمد بن ابراهیم، **کتاب الغیبه**، محقق: علی اکبر غفاری، مكتبة الصدوق، تهران، ۱۳۹۷ق.
۳۴. مفید، محمد بن محمد (شیخ مفید)، **الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد**، مترجم و شارح: سیدهاشم رسولی محلاتی، **المؤتمر العالمی لآلئیه الشیخ المفید**، قم، ۱۴۱۳ق.